

## اصول نظری معماری اخلاق - مدار در قرآن کریم، با تکیه بر منطق صوری ارسطویی در اندیشه اسلامی



بشری عباسی

دانشجوی پست دکترا، دانشگاه آلبرتا.

نویسنده‌ی مسئول: [babbasi@ualberta.ca](mailto:babbasi@ualberta.ca)

محمدرضا بمانیان

عضو هیأت علمی، دانشگاه تربیت مدرس.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

### چکیده:

پژوهش پیش رو، پژوهشی قرآنی است که با بررسی تأثیر اخلاق بر معماری از منظر قرآن کریم، به شناخت معماری غیر اخلاقی پرداخته؛ و با هدف تبیین اصول نظری معماری اخلاق مدار، به استقراء، استنتاج و معکوس سازی منطقی مفاهیم استخراج شده بر اساس منطق صوری ارسطویی می پردازد. پرسش این مقاله این است که چگونه می توان با تکیه بر آموزه های منطق صوری ارسطویی، به تبیین اصول نظری معماری اخلاق مدار از منظر قرآن کریم پرداخت؟ با توجه به اولویت دوری جستن از ردائل اخلاقی بر کسب فضائل اخلاقی در دین مبین اسلام و نیز جایگاه معماری به عنوان عمل اختیاری انسان که مؤثر از صفات درونی فرد و جامعه پیرامونش می باشد؛ می توان ردائل اخلاقی را مهم ترین عامل شکل گیری اصولی غیر اخلاقی برای معماری در نظر گرفت؛ و ردیلت های مذکور در قرآن مجید، این اصول را از منظر کتاب آسمانی مسلمین مشخص می نماید؛ و بستری می شود برای شناخت اصول معماری اخلاقی. این پژوهش در گونه استدلال منطقی و با رویکردی تحلیلی تفسیری به بررسی مستندات و منابع می پردازد و یافته های پژوهش با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه سازمان یافته، اعتبار سنجی می شوند. مصاحبه ها حاکی از تأیید متخصصین در زمینه مفاهیم مطرح شده در اصول، و نیز کامل بودن و کافی بودن اصول نظری استخراج شده از فرآیند منطقی پژوهش می باشد. این اصول نظری تأیید شده در پژوهش عبارتند از: ۱. معماری باید راه ایجاد یاد و ذکر خداوند باشد. ۲. معماری باید ابزار تکریم مخاطب و عدم تفاخر بر آن ها باشد. ۳. معماری باید موجب و سبب ایجاد هدفمندی نسبت به نیازهای دنیوی و اخروی انسان باشد. ۴. معماری باید موجب رفع و محو فاصله طبقاتی شود؛ و ابزار ایجاد برابری با دیگر انسان ها باشد. ۵. معماری باید موجب ایجاد تعادل در لذات و امیال انسان شود. ۶. معماری باید به واسطه ساختاری اقتصاد محور و طبیعتگرا موجب اعتدال-گرایی در تأمین نیازهای انسان شود. ۷. معماری باید با توجه و اعتقاد به عدم بقا و جاودانگی دنیوی انسان، قائل به استحکام در ساخت بنا باشد. بنابراین نتیجه این پژوهش نشان دهنده امکان استخراج منطقی اصولی منسجم از قرآن کریم به منظور خلق معماری اخلاق مدار است که می تواند با تکیه بر پایه هایی محکم و استدلال پذیر، در عرصه نظر و عمل مورد بهره برداری قرار گیرد.

واژه های کلیدی: قرآن کریم، اخلاق اسلامی، اصول معماری اخلاق مدار، منطق صوری ارسطویی.



## ۱. مقدمه

اخلاق به صورت شاخه‌ای از فلسفه است که به استدلال درباره پرسش‌های بنیادین اخلاقیات می‌پردازد. درستی و نادرستی امور، شناخت امور خیر و شر و بازشناسی فضائل، مسائل بنیادین اخلاق را تشکیل می‌دهند (گنسلر هری جی ۱۱۰۲). کلمه اخلاق جمع خلق است. خلق شکل درونی انسان است. غرایز و ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است؛ اخلاق نامیده می‌شود؛ و به اعمال و رفتاری که از این خلقیات ناشی گردد نیز اخلاق و یا رفتار اخلاقی می‌گویند (مهدوی کنی ۰۸۳۱). در واقع می‌توان بیان کرد که خلق در اصطلاح ملکه‌ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکر کردن از انسان صادر می‌شود. ملکه آن دسته از کیفیات نفسانی است که به کندی از بین می‌رود و در انسان نهادیه شده است. همین معنا را نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری (۶۵۳۱)، فیض کاشانی در حقایق (۵۱۴۱ ق) و ملاصدرا در اسفار اربعه نقل کرده‌اند (مروتی و دیگران ۴۹۳۱). از طرفی دیگر، معماری ترکیبی از هنر و فناوری است که جنبه هنری آن باید تجربه؛ و جنبه علمی آن نیز باید آموخته شود. هنر و علم باید در راستای نیازهای کاربران با یکدیگر مطابقت داده شوند. به سبب ماهیت خاص رشته معماری و ارتباط و تأثیر همه‌جانبه محیط و فضاهای طراحی شده بر روح و روان و فرهنگ مردم و جامعه، بررسی اخلاق در معماری ضروری است. هر چند این مهم از دیرباز مورد نظر اندیشمندان قرار داشته است؛ ولیکن منابع موجود در زمینه اخلاق در معماری اندک بوده و بیشتر در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. این منابع اغلب به مباحثی از قبیل احیای مجدد اخلاقیات از طریق تربیت اخلاقی معماران، تأثیر اخلاق در طراحی محیط و ضرورت نیاز به درنظر گرفتن جنبه‌های اخلاقی در معماری و همچنین، استخراج گزاره‌های مفهومی اخلاق از

قرآن و سایر احکام فقهی می‌پردازد. این پژوهش نیز قصد دارد با شناخت تعریف معماری از منظر قرآن، به ارتباط میان اخلاق و معماری در کلام وحی دست یابد؛ و در تکمیل مطالعات پیشین صورت‌گرفته، به بیانی منطقی از معماری اخلاقی بپردازد.

قرآن کتاب وحی است. خداوند در سوره هود می‌فرماید: بدانید قرآن با علم الهی نازل شده و از علم الهی نشأت گرفته است؛<sup>۲</sup> لذا می‌تواند به‌عنوان منبع وحی الهی در راستای تکمیل دیدگاه مذکور به یاری انسان بیاید. تعریف معماری اخلاقی از منظر قرآن کریم و استخراج اولویت‌های اخلاقی در تطابق با معماری، می‌تواند با کمک تفاسیر معتبر به بستری کامل و جامع تبدیل شود برای شکل‌گیری معماری اخلاقی در عرصه ظهور. «ظاهر قرآن زیباست؛ باطن آن ژرف ناپیداست؛ عجایب آن سپری نگردد؛ غریب آن به پایان نرسد؛ و تاریکی‌ها جز بدان زوده نشود» (امام علی، نهج‌البلاغه/ خطبه ۸۱). با این وجود که سخن گفتن درباره کتاب وزین الهی به‌عنوان منبعی جامع از همه معارف و محکمت، بسیار سخت و خطیر است؛ در طول تاریخ اسلام هر یک از علما فرازها، تألیفات و کلماتی گران‌سنگ را برای آیندگان به یادگار گذارده‌اند تا توشه راه آنان در شناخت و تمیز حق از باطل و سره از ناسره شود. حضرت باری تعالی در سوره مبارکه نساء به انسان وعده می‌دهد آموزش آنچه را او خود توان آموختنش را ندارد؛ «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ» (نساء/ ۳۱۱). «با نگرشی هر چند اجمالی به آیات قرآن کریم، این معنی به وضوح قابل بهره‌برداری است که از جمله وظایف اصلی انبیا، تحریک اندیشه‌ها، و تهییج افکار بشری است. پس با بیانی ساده می‌توان معماری دینی را آن معماری دانست که اندیشه مخاطب خود را متوجه حقیقت هستی نموده است؛ و چشم خرد



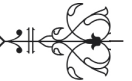
اول، به بررسی معماری در قرآن کریم بر اساس استقرای تام و ارائه تعریفی جامع از معماری از منظر قرآن کریم پرداخته می شود. استقرا در علم منطق ارسطویی عبارت است از اثبات حکمی در مورد یک کل به دلیل ثبوت آن در جزئیات آن کل. شهید صدر در کتاب خود با عنوان مبانی منطق استقرا از مثال ساده ای برای توضیح استدلال استقرائی استفاده می کند؛ «ما با دیدن انبساط آهن، مس و نقره در حرارت، حکم انبساط را روی همه فلزها صادق دانسته و می-گوییم: همه فلزها در اثر حرارت منبسط می شوند. این استدلال یک استدلال استقرایی است» (صدر ۹۵۳۱). استدلال استقرایی براساس علم منطق ارسطویی بر دو گونه استقرای تام و استقرای ناقص است. در استقرای تام تمام گونه‌های وابسته به یک جنس دیده می شود و حکم هر یک را به دست آورده و درباره همه یک حکم داده می شود (هاک ۲۸۳۱). در نتیجه برای تعریف معماری از منظر قرآن کریم، ابتدا به بررسی تمامی آیات و تفاسیر عقلی و موضوعی مرتبط با معماری در قرآن با نگاهی جزءنگر پرداخته؛ و چگونگی تعریف آن معماری توسط آیات الهی بررسی می شود. سپس به جمع بندی کل نگر از تعریف معماری در قرآن و قابلیت هر یک برای ارائه تصویری شفاف از معماری اخلاقی پرداخته می شود. در انتهای گام نخست، لزوم بررسی ارتباط میان اخلاق و معماری به عنوان فعلی اختیاری، مشخص شده و توضیحات قرآنی در باب معماری اقوام نفرین شده عاد و ثمود مرور می شود. در گام بعد، آیات و تفاسیر معتبر از معماری قوم عاد و ثمود و ارتباط معماری ایشان با صفات اخلاقی ایشان پرداخته می شود. سپس با استناد به استدلال غیرمباشر از یافته ها، اصول معماری غیراخلاقی از منظر قرآن کریم تبیین می شود.

او را تحریک نماید» (علی آبادی ۵۸۳۱، ۳۷۵). بر پایه تعالیم قرآنی می توان به کامل ترین شناخت از درست ها و نادرست ها در علوم رسید؛ و این گونه است که می توان قرآن را بهترین راهنما دانست؛ آن گونه که در سوره بقره می فرماید؛ قرآن کتابی است برای هدایت بشر.

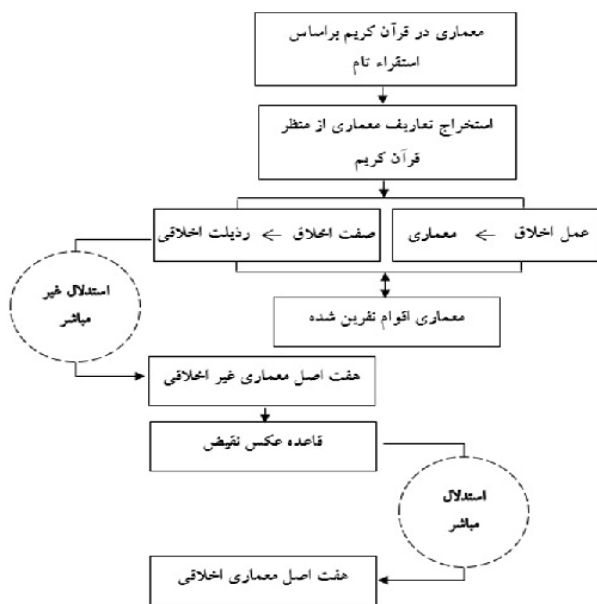
## ۲. روش شناسی

این پژوهش در گونه استدلال منطقی و با رویکردی تحلیلی تفسیری به بررسی مستندات و منابع می پردازد؛ و یافته های پژوهش با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه سازمان یافته، اعتبارسنجی می شوند. هدف اصلی این پژوهش تبیین اصول نظری معماری اخلاق مدار با تکیه بر استقرا، استنتاج، و معکوس سازی منطقی مفاهیم استخراج شده از قرآن کریم بر اساس منطق صوری ارسطویی است. تأکید بر علم منطق صوری ارسطویی در روند پژوهش قرآنی پیش رو به سبب وجود اعتبار این علم در علوم اسلامی و امکان استدلال مبانی معرفتی بر این اساس می باشد. در بیانی کلی، علم منطق نشانگر روش صحیح اندیشیدن است و موارد خطا در تفکر را آشکار می سازد. این علم با تمام پیشترفتش در سیر تکمیلی علوم بشری، همچنان ریشه خود را در منطق صوری ارسطو حفظ نموده و می تواند با استفاده از قدرت تفکر و استدلال، انسان را از طریق معلومات به حل مجهولات رساند (غرویان ۶۸۳۱، ۹). «استدلال، تلاش ذهن برای به دست آوردن تصدیقی جدید است» (منتظری مقدم ۵۹، ۸۸۳۱) و منطق صوری ارسطویی، استدلال را به دو نوع مباشر و غیرمباشر تقسیم می نماید. پژوهش قرآنی پیش رو به دو بخش تقسیم شده و از ترکیب هر دو نوع استدلال استفاده می نماید.

بخش اول پژوهش شامل دو گام می شود. در گام



بخش دوم پژوهش با روند استدلالی مباشر طی شده و با استناد به قاعده عکس نقیض، به بررسی هر یک از اصول به عنوان یک قضیه می پردازد. در انتهای این بخش، اصول معماری اخلاقی از منظر قرآن کریم تبیین می شود. نحوه استدلال منطقی در مقاله، ساختاری زنجیروار دارد به صورتی که هر حلقه مکمل حلقه قبل از خود است. لذا، در صورت وجود کاستی در یکی از مراحل پژوهش، مراحل بعد نیز دچار کاستی می شوند. در چنین فرایندی، اعتبارسنجی یافته ها به عنوان مرحله تضمین کننده دستاوردهای آتی پژوهش خواهد بود. لذا، در مرحله نهایی پژوهش، اصول معماری اخلاق مدار به عنوان یافته های پژوهش بر اساس مصاحبه نیمه سازمان یافته از پندل متخصصین، اعتبارسنجی می شود. سپس به تحلیل تفسیری مصاحبه ها پرداخته می شود. نتایج حاکی از تأیید متخصصین در زمینه روند منطقی، رویکرد قرآنی و اصول نظری استخراج شده است. تصویر ۱ فرایند پژوهش را ارائه می دهد.



تصویر ۱. فرایند پژوهش (مأخذ: نگارنده ۱۳۹۵)

### ۳. مبانی نظری

#### ۳-۱. تعریف هدفمند معماری از منظر قرآن کریم بر اساس استقرای تام

برای استخراج اصول معماری اخلاقی از قرآن کریم، نیاز به شناخت معماری از منظر قرآن می باشد که به عنوان بستر استدلال مورد نظر قرار بگیرد. بررسی معماری در قرآن کریم به یک کل منسجم ختم نمی شود و در نهایت به مجموعه ای از مشاهدات پراکنده می انجامد که در دو دسته جای می گیرند؛ ارجاعات مستقیم به مصنوعات یا ابنیه و اشاره های غیرمستقیم برای ساخت مصنوعات و طراحی اماکن (گرابار ۱۳۸۹، ۱۵۲). در ارجاعات مستقیم نیز همواره به صفات و خصوصیات سازندگان و مصرف کنندگان آن معماری اشاره نمی شود؛ و صرفاً از ویژگی های آن معماری سخن گفته می شود. طبیعتاً تعریف کلی و غیرهدفمند معماری از منظر قرآن کریم، خود به تنهایی پژوهشی مفصل و عمیق می طلبد. در این پژوهش، استقرای تام در خصوص تعریف

هدفمند معماری در ارتباط با صفات و خصوصیات سازندگان و استفاده کنندگان آن بیان شده است؛ و لذا، بخش هایی از قرآن کریم که به این دو مهم در کنار هم اشاره دارد؛ مد نظر قرار می-گیرد. در طول تاریخ، تفسیر قرآن کریم با شیوه های مختلفی صورت پذیرفته است. تفاسیر روایی، تاریخی، ادبی، لغوی، عرفانی، فلسفی، کلامی، علمی، عقلی، فقهی، اخلاقی، اجتماعی و موضوعی بخشی از این شیوه ها می باشند. در این پژوهش بر اساس استقرای تام از تعریف معماری در قرآن کریم و همچنین با تکیه بر روش تحقیق و بهره مندی از منطق صوری ارسطویی در مطالعات قرآنی، رویکرد موضوعی و عقلی در تفاسیر مورد توجه قرار گرفته است؛ و از رویکرد ادبی و لغوی پرهیز شده است. در این پژوهش تلاش شده است جدا از رویکرد و شیوه مورد نظر مفسر، به اعتبار علمی تفسیر نزد علمای شیعه و حوزه های علمیه توجه شود. همچنین با تأکید بر هدف اصلی پژوهش، تفاسیری مورد توجه قرار گرفته است که به معماری در کنار



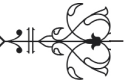
به راحتی به وظایف عبادی خود پردازند» (هاشمی ۱۳۹۴، ۱۶). با وجود این مهم که لزوم به هدفمندی در معماری در راستای پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی بشر را می توان از تفاسیر آیات مذکور نتیجه گرفت؛ نکات به میزان زیادی به شرایط خاص حضرت سلیمان اشاره دارد و امکان استفاده کاربردی از آن در غالب رویکردی جامع را کاهش می-دهد. «با مرور در آیات مرتبط با ملک حضرت سلیمان، بحث بیشتر به قدرت متافیزیک در پروسه ساخت و فرمانروایی پیامبر خدا بر اجنه به عنوان معماران و بنایان ملک سلیمانی تأکید دارد» (وکیلی ۱۳۸۶، ۱۰۱)؛ و این موضوع موجب می شود بحث به نحوی خاص، و نه عمومی مطرح شود. همچنین در آیه ۴۴ سوره نمل، قرآن مجدداً به محیط مصنوع ملک حضرت سلیمان اشاره می کند: «به او گفته شد وارد ساحت کاخ پادشاهی شو؛ و چون آن را دید؛ برکه‌ای پنداشت و ساق‌هایش را نمایان کرد. سلیمان گفت این کاخی مفروش از آبیگینه است. ملکه گفت پروردگارا، من به خود ستم کردم و اینک با سلیمان در برابر خدا، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم» (قرآن کریم، سوره نمل/ ۴۴). تفسیر نمونه این آیه را آخرین آیه مرتبط با معماری در ملک حضرت سلیمان شناخته است (مکارم شیرازی ۱۳۹۳). در ترجمه این آیات آمده است که حضرت سلیمان دستور داده بود صحن یکی از قصرها را از بلور بسازند و در زیر آن، آب جاری قرار دهند (فولادوند ۱۳۹۰). تفاسیر معتبر بحث از تسلط پیامبر بر علم فیزیک و قواعد ساخت‌وساز می کنند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به صورت مستقیم به محیط مصنوع مطرح در آیه اشاره می فرماید: «در اینجا بحث از حیاط و قسمت غیرمسقف کاخ می‌باشد» (طباطبایی ۱۳۷۴، ۵۲۲) دیگر تفاسیر معتبر در خصوص آیات مذکور بیشتر به نحوه اسلام آوردن ملکه سبا با رویکردی تربیتی پرداخته اند و صحبت از محیط مصنوع مذکور در آیات، به توضیحات فوق‌الذکر محدود می شود. لذا می توان نتیجه گرفت توصیفات آمده از این محیط مصنوع نیز در ارتباط با شرایط خاص تربیتی بوده است. در یک جمع بندی کلی می توان نکات را در سه مورد زیر خلاصه کرد:

- موهبت علم وافر که خداوند در زمینه ساخت‌وساز در اختیار حضرت سلیمان گذاشته است.

سازندگان و مصرف کنندگان آن اشاره دارد. در نتیجه این بررسی و با نگاهی موضوعی به تفاسیر، می توان گفت که قرآن کریم در ۵ مورد متفاوت از معماری در کنار صفات و خصوصیات سازندگان یا مصرف کنندگان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نام برده است که شامل معماری ملک حضرت سلیمان، روند ساخت کعبه، تبدیل مکان استقرار اصحاب کهف به مسجد، تشبیه بهشت و جهنم به محیط مصنوع و در نهایت، معماری افراد و اقوام نفرین- شده است.

قرآن کریم در رابطه با معماری ملک حضرت سلیمان در سوره سبا می فرماید: «و باد را برای سلیمان رام کردیم که رفتن آن بامداد، یک ماه، و آمدنش شبانگاه، یک ماه راه بود؛ و معدن مس را برای او ذوب و روان گردانیدیم؛ و برخی از جنّ به فرمان پروردگارشان پیش او کار می کردند؛ و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی تافت؛ از عذاب سوزان به او می چشاندیم. آن متخصصان برای او هر چه می خواست؛ از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می ساختند. ای خاندان داوود، شکرگزار باشید. و از بندگان من اندکی سپاسگزارند» ۴ (قرآن کریم، سوره سبا/ ۱۲، ۱۳). در تفسیر این آیات، جلد ۱۶ المیزان بحث از حشمت حضرت سلیمان و عظمت محیط مصنوعی ایشان شده است؛ و به سه موهبت بزرگ مذکور در آیات برای حضرت سلیمان اشاره می شود که حاکی از تسخیر باد، در اختیار داشتن مس ذوب شده و تسخیر جنیان برای ساخت و ساز می باشد (طباطبایی ۱۳۷۴). در ارتباط با مبحث معماری، آیه ۱۳ به بخشی از کارهای مهم تولیدی گروه جن به فرمان حضرت سلیمان اشاره دارد. جلد ۱۸ تفسیر نمونه به این نکته اشاره کرده و بخشی از مصنوعات را مرتبط با مسائل معنوی و عبادی، و بخشی دیگر را در ارتباط با نیازهای جسمانی انسان‌ها دانسته است. «محارِب جمع محراب در لغت به معنی عبادتگاه یا قصرها و ساختمان‌های بزرگی است که به منظور معبد ساخته می شوند» (مکارم شیرازی ۱۳۹۳). از تفاسیر می توان نتیجه گرفت که کارگران و بنایان حضرت سلیمان، معابد بزرگ و باشکوهی که درخور حکومت الهی و مذهبی او بود را برای او ترتیب می دادند؛ تا مردم بتوانند





- قدرت بالای فرمانروایی حضرت سلیمان بر کلیه جانداران و ساخت محیط مصنوع توسط جنیان.

- عظمت ملک سلیمان به عنوان محیطی مصنوع و با شکوه در راستای اهداف تربیتی پیامبر خدا.

موضوع بعدی، معماری مسجد اصحاب کهف است که در این رابطه قرآن می‌فرماید: «و بدین‌گونه مردم آن دیار را بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است؛ و در فرارسیدن قیامت هیچ شکی نیست؛ هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند؛ پس عده‌ای گفتند: بر روی آن‌ها ساختمانی بنا کنید؛ پروردگارشان به حال آنان دانایتر است. سرانجام کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: حتماً بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد» (قرآن کریم، سوره کهف / ۲۱). سید عبدالحسین طیب در کتاب تفسیر خود به ترجمه تفسیری این آیه پرداخته است و به ساخت مقبره یا مسجد به عنوان محیط مصنوع مورد بحث شاهدان در محل خواب اصحاب کهف اشاره می‌کند. «زمانی که اهل شهر اختلاف و نزاع داشتند بین خود در امر اصحاب کهف، گفتند بنا کنیم بر آن‌ها عمارتی مثل مقبره که این‌ها مرده‌اند. بعضی گفتند خواب هستند و پروردگار آن‌ها بر آن‌ها دانایتر است. مؤمنینی که مطلع شدند گفتند می‌گیریم بر آن‌ها مسجدی که در او عبادت شود» (طیب ۱۳۷۸، ۳۴۱). علامه طباطبایی در جلد هشتم تفسیر المیزان، شاهدان را به دو دسته تقسیم می‌کند. «دسته اول کسانی که خواستند بر اصحاب کهف دیواری کشیده و محل آرمیدن آن‌ها را بپوشانند؛ و دسته دوم که از مؤمنین هم بودند؛ نظر داشتند که آنجا را یک مسجد بسازند که در نهایت به ساخت مسجد انجامید» (طباطبایی ۱۳۷۴، ۳۴۱). ارتباط میان درون و برون آدمی در این آیات به صورتی شفاف بیان شده است. قرآن کریم با تأکید بر مؤمن بودن افراد دسته دوم، به ارتباط میان جهان‌بینی و نیت انسان با ساخت محیط مصنوع به عنوان عملی اختیاری تأکید می‌کند. به صورت کلی دو نکته در ارتباط با معماری در آیه مذکور مطرح است که شامل موارد زیر می‌شود:

- صحبت از کاربری خاص برای مزار بزرگانی از دست رفته در ارتباط با ساخت مقبره یا مسجد است.

- ساخت مسجد در حالتی رخ داده که نزاعی بین دو دسته

وجود داشته و شرایط طبیعی نبوده است.

ساخت کعبه توسط حضرت ابراهیم، مبحث سوم است که بررسی می‌شود؛ «و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند؛ می‌گفتند: ای پروردگار ما، از ما بپذیر که در حقیقت، تو شنوای دانایی» (قرآن کریم، سوره بقره / ۱۲۷). در جلد اول تفسیر نمونه، از آیات مختلف قرآن و احادیث و تواریخ اسلامی این استنباط شده است که خانه کعبه پیش از ابراهیم، حتی از زمان آدم بر پا شده بود (مکارم شیرازی ۱۳۹۳). در آیه ۹۶ سوره آل عمران می‌خوانیم: «نخستین خانه‌ای که به منظور پرستش خداوند برای مردم ساخته شد در سرزمین مکه بود» (قرآن کریم، سوره آل عمران / ۹۶). در خطبه معروف قاصعه از نهج البلاغه نیز می‌خوانیم: آیا نمی‌بینید که خداوند مردم جهان را از زمان آدم تا به امروز به وسیله قطعات سنگی امتحان کرده است؛ و آن را خانه محترم خود قرار داده؛ سپس به آدم و فرزندانش دستور داد که به گرد آن طواف کنند (فیض الاسلام ۱۳۷۸). فضل بن حسن طبرسی در کتاب مجمع البیان با تکیه بر شواهد تاریخی و تفاسیر قرآنی، بنای کعبه را ساخته حضرت آدم می‌شناسد؛ «بنای کعبه توسط حضرت آدم ساخته شده بود. اما به تدریج از بین رفته بود؛ و ویران شده بود (طبرسی (قرن ۵ هجری) ترجمه بیستونی ۱۳۹۰، ۵۰). نکته حائز اهمیت در بررسی کعبه، دستور الهی و تکیه داشتن این عمل بر وحی بوده است و این مهم مبحث ساخت کعبه را از معماری ملک حضرت سلیمان و مسجد اصحاب کهف متمایز می‌نماید. «ساخت کعبه به وحی الهی بوده و توسط دو پیامبر یعنی ابراهیم و اسماعیل صورت گرفته است» (مکارم شیرازی ۱۳۹۳، ۴۵۷). با این وجود همچنان ارتباط میان درون و برون آدمی در زمینه خلق اثر معماری به وضوح قابل مشاهده است. گویی قرآن به معماری همانند باقی اعمال آدمی می‌نگرد؛ و سلسله‌مراتبی را میان منشأ و ظهور عمل قائل می‌باشد. در این میان ۲ نکته بیان‌کننده شرایط خاص معماری بنای کعبه است:

- اتصال به وحی و متافیزیک بودن معماری بنای کعبه.

- کاربری خاص بنای کعبه برای عبادت.

موضوع چهارم، فضای مصنوع بهشت و جهنم است. آنچه به خوبی برای مخاطب قرآن محسوس و قابل رؤیت است؛



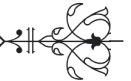
می‌سوزند و چه بد آرامگاهی است» (قرآن کریم، سوره ص / ۵۵-۵۶). در برخی از آیات که جهنم در غالب محیطی مصنوع توصیف شده است؛ از واژه‌هایی همچون خیمه، سایبان و یا بستر استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، در آیه ۲۹ سوره کهف، خیمه‌ای از آتش به‌عنوان عذاب دوزخیان مطرح می‌شود و یا در آیه ۱۶ سوره زمر می‌فرماید: «بالای سرشان سایبان‌هایی و در زیر پاهایشان سایبان‌هایی از آتش دارند. این چیزی است که خداوند، بندگان خود را از آن می‌ترساند؛ پس ای بندگان! خویشتن را از (عذاب) من نجات دهید» (قرآن کریم، سوره زمر / ۱۶). و همچنین آیه ۴۱ سوره اعراف: «برای آنان (در دوزخ) بستری از آتش و بالاپوش‌هایی از آتش است. ما این چنین جزا و سزای ستمکاران را می‌دهیم» (قرآن کریم، سوره اعراف / ۴۱). در بیانی کلی می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که:

– علی‌رغم این مهم که آیات توصیف کننده بهشت و جهنم اشاراتی به محیط مصنوع دارد؛ صرفاً مجموعه‌ای از تشبیهات را تشکیل داده است.

ساخت و پرداخت ابنیه بهشتی و همچنین جهنمی توسط آدمیان به صورت مستقیم صورت نمی‌گیرد. «هرچند که این نعمات یا عذاب‌ها محصول اعمال آدمیان است ولیکن اینطور نیست که جماعتی آنجا مشغول ساخت و ساز باشند» (مکارم شیرازی ۱۳۹۳، ۵۰۴). از طرف دیگر در رویکرد عقلی، تشبیهات قرآنی قابل استناد به عالم ماده نمی‌باشد. در نتیجه پردازش به تشبیهات مادی از بهشت و دوزخ و استفاده از اوصاف آن محیط مصنوع در عالم ماده، توان ارائه تعریفی شفاف از معماری در قرآن کریم را نداشته و خارج از چارچوب این پژوهش است.

آخرین موضوع مرتبط با معماری در تفاسیر عقلی و موضوعی قرآن، معماری افراد و اقوام نفرین شده است. پیامبرانی چون حضرت ابراهیم (سوره انبیاء / ۶۷)، حضرت صالح (سوره مومنون / ۳۱ تا ۳۹)، حضرت هود (سوره الأحقاف / ۲۴)، حضرت نوح (سوره نوح / ۲۶-۲۷)، حضرت محمد (سوره آل عمران / ۱۱۹)، حضرت شعیب (سوره هود / ۹۳)، حضرت موسی (سوره یونس / ۸۷-۸۸)، حضرت داوود و حضرت عیسی (سوره مائده / ۷۸-۷۹) مردمان هم عصر خود را مورد نکوهش قرار داده اند که از این میان حضرت

شامل محیط مصنوع بهشت می‌شود. همچنین در برخی آیات به ساختار خاص محل زندگی جهنمیان در جهنم نیز اشاره می‌شود. به‌عنوان نمونه، آیه ۲۰ سوره زمر می‌فرماید: «لیکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند؛ برای ایشان غرفه‌هایی است که بالای آن‌ها غرفه‌هایی دیگر بنا شده است نهرها از زیر آن روان است. وعده خداست، خدا خلاف وعده نمی‌کند» (قرآن کریم، سوره زمر / ۲۰). تفسیر المیزان به غرفه‌ها به‌عنوان توصیفی از جایگاه برتر مؤمنین نسبت به گناهکاران اشاره می‌کند و آن را به معنی منزلی رفیع و طبقه فوقانی معرفی می‌کند که در شرح وضع اهل تقوی بیان شده است. «آیه می‌فرماید در مقابل اهل آتش که از بالا و پایین با پوششی از آتش احاطه شده بودند؛ مؤمنین دارای منزلی رفیع هستند که در بالای آن نیز غرفه‌هایی ساخته شده و در چشم‌انداز آن‌ها نهرهای بهشتی جاریست» (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۱). جایی دیگر در آیه ۷۵ سوره فرقان و آیه ۵۸ سوره عنکبوت، از خانه‌های بهشتی به‌عنوان پاداش یاد می‌شود (طباطبایی ۱۳۷۴). آیه ۱۱ سوره تحریم نیز به وعده خانه بهشتی برای مؤمنین پرداخته است و با ذکر مثالی از آسیه می‌فرماید: «و خدای برای کسانی که ایمان آورده و به خدا و رسول گرویده‌اند مثل و ماندی را بیان کرده؛ آن مثل، مثل زن فرعون است؛ هنگامی که به موسی ایمان آورده و فرعون به او آزار می‌رساند؛ گفت: پروردگارا برای من خانه‌ای در بهشت نزد رحمت خود بنا کن و بساز؛ و مرا از بودن با فرعون و کردار زشت او نجات و رهایی ده، و مرا از گروه ستمکاران برهان» (قرآن کریم، سوره تحریم / ۱۱). در این مثل خداوند برای اهل ایمان همسر فرعون را مثل می‌زند که وی منزلت خاصه‌ای در بندگی و عبودیت داشت و در ایمان به مقام کمال رسیده بود؛ به گونه‌ای که مجاورت با فرعون و جاه و جلالش نتوانسته بود او را بفریبید و مانع از ایمان او شود؛ بنابراین ظاهر و باطنش با هم موافق گشته و خانه‌ای در بهشت در جوار پروردگارش را برهم‌نشینی با فرعون و قصر او ترجیح داده است (طباطبایی ۱۳۷۴). از طرفی دیگر، دوزخ به آسایشگاه و آرامگاه گنهکاران در قرآن کریم تشبیه شده است: «اما برای کافران و طغیانگران بدترین محل بازگشت، مقرر فرموده شده است. این بازگشتگاه، دوزخ است که در آن



- بیان قرآن کریم در رابطه با معماری اقوام عاد و ثمود رویکردی عمومی داشته است.

بر اساس استقرای تام صورت گرفته، قرآن کریم صرفاً در تعریف معماری اقوام عاد و ثمود رویکردی عمومی داشته؛ و در دیگر موارد، معماری در ارتباط با شرایط و یا کاربری خاصی تعریف شده است. البته باید تأکید شود که منظور از عام یا خاص، شرایط کلی اقوام، پیامبران و افراد مرتبط با معماری نمی باشد و این عمومیت صرفاً متوجه شرایط ساخت بنا و منحصر نبودن استفاده از آن برای کاربری خاص در طول تاریخ استفاده از آن بنا است. «در بحث آیات قوم عاد و ثمود، هم مباحث معماری و هم اصول و فلسفه غیراخلاقی بودن آن‌ها مطرح گشته و احوالات اقوام نفرین شده به هدف ارشاد و انذار آیندگان در قرآن بیان شده است» (شیرازی ۱۳۹۳، ۳۱۰)؛ و لذا می توان نتیجه گرفت که توصیفاتی چنین ساختارمند از نوعی معماری منفی منتسب به اقوام نفرین شده با بیانی عمومی در قرآن نشانگر وجود اصول و قواعدی در معماری ایشان است که با شناخت آن از طریق بررسی دقیق تفاسیر، زمینه استخراج دستورالعملی جامع برای معماری منع شده از منظر قرآن فراهم می شود. در خلاصه استقرای تام می توان گفت در سه مورد از پنج مورد که شامل معماری ملک حضرت سلیمان، معماری مسجد اصحاب کهف و معماری اقوام عاد و ثمود می باشد؛ معماری به عنوان عملی اختیاری تعریف شده است که همانند دیگر اعمال اختیاری انسان، تحت تأثیر انگیزه و اراده انسان است. همچنین در چهار مورد از پنج مورد بررسی شده که شامل معماری ملک حضرت سلیمان، معماری مسجد اصحاب کهف، معماری خانه کعبه، و معماری اقوام عاد و ثمود می باشد؛ معماری به عنوان عملی که دارای هدفی خاص است و ظهوری بیرونی دارد از صفاتی درونی، معرفی می شود. در نتیجه استقرای تام صورت گرفته، نکات زیر حاصل می شود:

- بر اساس تفاسیر معتبر موضوعی و عقلی، قرآن کریم در پنج مورد از معماری نام برده است که شامل معماری ملک حضرت سلیمان، معماری مسجد اصحاب کهف، معماری بهشت و جهنم و معماری اقوام نفرین شده می شود.

- معماری از منظر قرآن کریم عملی اختیاری است و

نوح، حضرت صالح (قوم ثمود)، حضرت هود (قوم عاد)، حضرت داوود و حضرت عیسی (بنی اسرائیل)، و حضرت شعیب (ایکه و مدین) مشخصاً قوم خود را نهی کرده اند. از دیگر اقوام نهی شده در قرآن می توان به طور خاص به اقوام تبع، سبأ، مأجوج و یأجوج، و قوم حضرت لوط اشاره کرد. در ارتباط با محیط طبیعی و مکان زندگی اقوام نهی شده، قرآن کریم به طبیعت با برکت قوم سبأ اشاره می نماید (سوره سبأ / ۱۵-۲۰). محل زندگی قوم ایکه را به بیشه زار توصیف نموده (سوره حجر / ۷۸)؛ و اقوام مأجوج و یأجوج را مستقر در جانب دو کوه معرفی می نماید (سوره کهف / ۹۳، ۹۴). همچنین به ردیلت اخلاقی بخل و خست در قوم لوط، شرک و بت پرستی در قوم تبع (طبرسی قرن ۵ هجری)، ترجمه بیستونی (۱۳۹۰، ۳۱۲)، کفران نعمت در قوم سبأ (خرمشاهی ۱۳۷۷، ۴۷۲)، ستمگری و لجاجت در قوم نوح و کم-فروشی در قوم ایکه اشاره می نماید. ولیکن در زمینه محیط مصنوع اقوام مذکور صحبتی در میان نیست. این در صورتی است که «آیات مرتبط با اقوام نهی شده عاد و ثمود به شرح واضحی از محیط مصنوع ایشان در کنار خلیات و صفات ایشان می پردازد و این اقوام را دارای مهارت در صنعت ساخت و ساز معرفی می نماید» (مکارم شیرازی ۱۳۹۳، ۳۳۰). قرآن کریم به وصف عمومی اعمال اقوام عاد و ثمود در سوره های فصلت، هود، شعراء، قمر، مومنون، اعراف، احقاف، الاسراء، الحاقه، ابراهیم، عنکبوت، فجر، توبه، و شمس پرداخته؛ و لذا در میان برخی آیات از معماری ایشان نیز سخن گفته است؛ یا به بیانی دیگر، معماری را جزئی از اعمال اختیاری اقوام مذکور تلقی کرده و در کنار دیگر اعمال ایشان به توصیف و نهی آن پرداخته است. در کتاب تفسیر کشاف به مقابله قرآن با نحوه معماری آن‌ها در کنار دیگر خصوصیات منفی اخلاقی شان اشاره شده است و بیان قرآن در این زمینه عمومی معرفی شده است (زمخشری قرن ۶ هجری) ترجمه انصاری (۱۳۸۹). نکات زیر از مرور آیات معماری اقوام نفرین شده حاصل می شود:

- در میان اقوام و افراد نفرین شده، اشاره مستقیم به محیط مصنوع دو قوم عاد و ثمود شده است.

- قرآن کریم معماری را بخشی از اعمال اختیاری اقوام تلقی کرده و آن را توصیف نموده و مورد نهی قرار داده است.





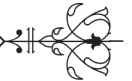
«و به یاد آورید هنگامی را که شما را پس از (قوم) عاد جانشینان آنان گردانید و در زمین به شما جای (مناسب) داد در دشت‌های آن (برای خود) کاخ‌هایی اختیار می‌کردید و از کوه‌ها خانه‌هایی (زمستانی) می‌تراشیدید پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید و در زمین سر به فساد برمدارید» (سوره اعراف/ ۷۴). پس از سال‌ها ارشاد و انداز، سرانجام جناب صالح ایشان را به محاجه خواند؛ و درخواستی از بت‌های مورد پرستش قوم کردند که بی‌پاسخ ماند. قوم نیز از حضرت صالح خواستار بیرون آمدن شتری سرخ موی و آبستن از درون کوه شدند. لیکن پس از رؤیت معجزه دست به انکار و تهمت سحر به نبی خدا زدند و شتر و ناقه اش را کشتند. پس از آن بود که حجت خدا بر ایشان تمام گشت و با عذابی سهمگین نابود شدند (ابن کثیر ۱۹۸۸) آنچه در آنجا که گویی هرگز بر روی زمین وجود نداشتند. «كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِّلْمَدِينِ كَمَا بَعَدَتْ لِمُؤَدِّیْ» (سوره هود/ ۹۵). در رابطه با قوم عاد نیز «آنچه قرآن کریم آورده این است که قوم عاد، مردمی بوده‌اند که در احقاف زندگی می‌کردند. این نام در سوره احقاف، آیه ۲۱ نیز آمده است و از آیه شریفه ۶۹ از سوره اعراف و آیه ۴۶ سوره ذاریات برمی‌آید که این قوم بعد از قوم نوح بوده‌اند» (طباطبایی ۱۳۷۴، ۴۵۷). مشخصه اصلی که قرآن برای قوم عاد مطرح می‌کند؛ قامت بلند و نیروی زیاد در کنار تمدن و شهر آباد ایشان است. علامه طباطبایی با استناد به آیه ۲۰ سوره قمر، آیه ۷ سوره الحاقه، آیه ۶۹ سوره اعراف، آیه ۱۵ سوره سجده، و آیه ۱۳۰ سوره شعراء، این قوم را مردمانی بلندقامت همچون درخت خرما، نیرومند و قهرمان معرفی می‌کند که بسیار مرفقی بودند و متمدن با شهرهایی آباد و سرزمینی حاصل‌خیز (طباطبایی ۱۳۷۴). «ای رسول ما، آیا ندیدی که پروردگارت با قوم عاد ارم چه کرد؟ قومی که صاحب ستون‌ها بودند؛ قومی که در هیچ سرزمینی مثل آنان آفریده نشده بودند» (سوره فجر/ ۶-۸). قوم عاد به طور دوام، غرق در نعمت خدا بودند تا اینکه مسلک بت‌پرستی در بینشان ریشه دوانیده و در هر مرحله‌ای برای خود بتی به‌عنوان سرگرمی ساختند (ابن کثیر ۱۹۸۸). در توصیف صفات ناشایست قوم عاد، قرآن کریم به صورت مستقیم به معماری ایشان اشاره می‌کند و نیت نادرستان را در آیه ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره شعراء متذکر

به‌عنوان یک عمل اختیاری، در ارتباط مستقیم با انگیزه، جهان‌بینی، و صفات اخلاقی انسان است. - برای دستیابی به الگویی جامع از معماری قرآنی و کشف ارتباط میان صفات درونی انسان و ظهور بیرونی صفات در قالب معماری، لازم است به مواردی توجه شود که رویکردی عمومی دارند؛ و در نتیجه صرفاً تعاریف قرآن از معماری اقوام عاد و ثمود می‌تواند مورد استفاده در این راستا قرار گیرد.

### ۳-۲. نقد قرآن بر معماری اقوام عاد و ثمود

همواره در برخورد با مهم‌ترین مباحث آفرینش و پررنگ‌ترین دغدغه‌های ذهنی بشر، هاله‌ای از ابهام و پیچیدگی وجود دارد و به نظر می‌رسد که مؤثرترین شیوه برای درک هستی این دسته مباحث، کسب شناختی دقیق از نیستی آن است. همانگونه که حق تعالی ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را بر لبان خاتم الانبیاء جاری می‌سازد و در پاسخ کلیم الله، که به درخواست بنی اسرائیل جویای نام او بود؛ می‌فرماید: «نام من بی نام است» (وکیلی ۱۳۸۶، ۱۰۳). «أَنَّمَا تُعْرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَسْمَائِهَا» بیانگر حدیثی نبوی است که می‌فرماید: «جز به ضد، ضد را همی نتوان شناخت» (علامه مجلسی ۱۴۰۴)؛ و می‌تواند راهنمای بشر امروز باشد برای شناخت و کسب درکی بهتر از نبایدهای پیرامونش برای دستیابی به تصویری شفاف از «بایدها». این گام از پژوهش نیز قصد دارد با شناخت معماری غیراخلاقی اقوام نفرین شده، به اولویت‌های معماری اخلاقی در قرآن دست یابد.

خداوند متعال در قرآن مجید به بیان سرنوشت اقوام هلاک شده پرداخته است تا از این رهگذر، بشر از سرنوشت آن‌ها عبرت بگیرد. قوم ثمود یکی از اقوام هلاک شده است که مقارن محل سکونتشان در وادی القرا، حد فاصل مدینه و شام بود. نبی قوم ثمود حضرت صالح بودند که رسالتشان تا ۱۲۰ سالگی ادامه یافت. قوم ثمود مشرک بوده و به جای خدای واحد دارای ۷۰ بت بودند (ابن کثیر ۱۹۸۸). از شاخصه‌های مهم این قوم در قرآن، بحث بناسازی و معماری ایشان است؛ «وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِیْ» (سوره فجر/ ۹). قوم ثمود، بنا بر روایت قرآن، با وجود بهره‌مندی از سرزمینی با برکت و نعمت فراوان، به فساد بر می‌خواستند؛



جهت داشتن طغیان و انتخاب شقی‌ترین افراد در بین خود. قرآن مجید در آیات متعددی صریحاً به نوع معماری اقوام عاد و ثمود نیز اشاره کرده است؛ که در ادامه با استفاده از مراجع تفسیر قرآن به شرح آن پرداخته می‌شود.

در آیه ۱۲۸ از سوره شعرا ۱۹۱، از کلمه «آیه» استفاده شده است. این کلمه به معنی نشانه می‌باشد و نشانه‌ها به منظور تذکر به وجود می‌آیند (مصطفوی ۱۳۶۰). معماری در اینجا به مثابه نشانه‌ای است از آنچه این قوم سعی بر متذکر شدن آن به یکدیگر دارند. در آیه شریفه کلمه «عبث» نیز مشاهده می‌شود به معنی بیهودگی که متشکل از چهار صفت لهو و لعب، تفاخر و تکاثر می‌باشد (قرشی ۱۳۷۱). چهار صفت مذکور به همراه هم این توان را می‌یابند که انسان و جامعه را عبث‌گرا نمایند. با مرور این مطلب، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اقوام مذکور، ماهیتی عبث‌آلود داشته و از معماری خود به عنوان نشانه‌ای برای تذکر تبعث استفاده می‌کردند. از صفاتی همچون فساد کردن قوم در زمین، بناسازی بی‌رویه در دشت‌ها با حالت سرمستی و ساخت خانه‌های مستحکم از سنگ درون کوه‌ها، چنین برمی‌آید که این اقوام طبق آیات قرآن دچار نوعی خوشگذرانی بودند. اعمالی مانند بنا کردن بی‌رویه کاخ‌ها و برداشت سنگ از دره‌ها برای ساختمان‌سازی نشان دهنده وجود صفت لعب در عاد و ثمود است. واژه لعب برای کاری به کار برده می‌شود که نتیجه اش نمی‌تواند در زندگی حقیقی ما اثری بگذارد و توسط انسان غافل صورت می‌گیرد. «حرکات و تلاش‌های او مانند اینست که تشنه‌ای آب دهان خود را بمکد تا سیراب گردد؛ حال آنکه او هرگز سیراب نمی‌گردد» (مصطفوی ۱۳۶۰، ۱۰). در نتیجه ساخت‌وساز برای قشری از جامعه که نیاز به مسکن نداشتند؛ لعب تعریف می‌شود. ایشان بر بلندی‌ها می‌ساختند، مرتفع و در محل دید رهگذران! «فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْدُونَ» (فصلت / ۱۵)

ساختار بنا‌ها بر پایه جلب توجه مخاطب شکل می‌گرفته و نحوه ساخت قشر توانمند متمایز از دیگر ابنیه بوده است. به نقل از قرآن کریم اقوام عاد و ثمود دارای دو طبقه استکبار و استضعاف بودند «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ

می‌شود: «آیا بنا می‌کنید به هر بلندی نشانه‌ای را برای بیهودگی و عبث گذراندن عمر؟ و قصرها و کاخ‌های استوار بنا می‌کنید به امید آنکه جاودانه بماند؟» (سوره شعراء / ۱۲۸، ۱۲۹). حضرت هود(ع) پیامبر قوم عاد بودند ولیکن این قوم با انکار و لجبازی با ایشان روبرو شدند؛ و به جز عده کمی ایمان نیاوردند. نسبت سفاقت و دیوانگی به حضرت هود دادند؛ و اصرار و پافشاری کردند که آن عذابی که ما را از آن می‌ترسانی و به آن تهدید می‌کنی بیاور. خدای تعالی عذاب را به صورت بادی بر آنان نازل کرد که در سر راه خود هیچ چیزی برجای نگذاشت (طباطبایی ۱۳۷۴).

قرآن کریم بیانگر صفات اخلاقی اقوام مذکور در آیات ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۹ تا ۱۵۴، و آیه ۱۵۷ از سوره شعرا می‌باشد. همچنین آیات ۶۵، ۷۰، ۷۴ تا ۷۷، و آیه ۷۹ از سوره اعراف و آیات ۵۱ تا ۵۳، ۵۵، ۵۹، ۶۲، ۶۵، ۶۷ و ۶۸ سوره مبارکه هود و آیات ۱۸، ۲۳ تا ۲۵، و ۲۹ سوره قمر، آیات ۹، ۱۰، ۱۳، و ۴۶ تا ۴۸ سوره نمل، و آیات ۱۴، ۱۵، و ۱۷ سوره فصلت بیشترین اشاره را به صفات اخلاقی این اقوام دارند. از دیگر آیات مبارکه مرتبط می‌توان به آیات ۱۱ و ۱۲ سوره شمس، و آیه ۹ و ۱۰ سوره ابراهیم، و ۹ سوره فجر، ۵۹ اسراء، ۴۴ ذاریات، ۳۸ عنکبوت، ۲۳ احقاف، و نیز آیه ۴ سوره حاقه اشاره کرد. صفات اخلاقی که از مجموع آیات مذکور در وصف اعمال اقوام عاد و ثمود استخراج شده است به این شرح می‌باشد: عبث بودن، امید به جاودانه بودن، تکذیب رسولان، خیال امنیت داشتن در دنیا، تکذیب رسولان، فره (شادمانی همراه با غفلت و سرمستی)، اطاعت امر اسراف‌کاران، وجود گروه‌های فاسد در شهر و فساد بر زمین، تهمت سحر به نبی، ادعای یکسانی با نبی، نبی را بشر بدون وحی دیدن و درخواست معجزه، تهمت کذب بر نبی، عبودیت الهه، جامعه‌ای دارای دو طبقه اجتماعی - اقتصادی، و فخر فروشی مستکبرین به مستضعفین، کفر طبقه مستکبر و بیان علنی ایشان، تقاضای عذاب، عدم حب به ناصحین و حب بیشتر به گمراهی نسبت به هدایت، امید به کافر شدن مومنین، ظلم، کفر به خدا، عدم درخواست آمرزش از خدا، بدبینی و فال بد زدن به نبی و مؤمنین، استکبار ورزیدن، ادعای برتری در عالم کردن، انکار آیات الهی، سرپیچی از دستور خدا، تکذیب عذاب الهی، تکذیب به



می‌پردازید» (حسینی ۱۳۶۳، ۴۷۶). تفسیر نمونه به بیانی کامل‌تر عنوان می‌کند: «و می‌تراشید برای مسکن خود از کوه‌ها خانه‌ها در حالتی که استاد و ماهرید در تراشیدن سنگ‌ها، یا در حالتی که نازان و بشاش و شادمانید در آن» (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ۳۰۶). لذا می‌توان نتیجه گرفت که با وجود مهارت در ساخت بنا، اقوام عاد و ثمود در اعمال خود نوعی شهوت‌پرستی و اصالت لذت را لحاظ می‌کردند به صورتی که بعضی از این‌ها را صرفاً برای لذت‌جویی دنیوی می‌ساختند؛ بدون آنکه نیاز به تعریف کارکرد دیگری را لازم بدانند.

با اتکا به مطالب فوق می‌توان اجمالاً به نوع تفکر و ساختار اخلاقی قوم ثمود پی برد؛ و با توجه به صفات استخراج شده از آیات و دسته بندی آن‌ها بر پایه ردائل اخلاقی سیزده‌گانه استاد نراقی ۲۴، مشخص می‌شود که اقوام مذکور دچار ردائل غرور و غفلت، گناهکاری و اصرار بر گناه، آرزوی دراز، ناسپاسی و کراهت بیش از دیگر ردائل بوده و همین ردائل اخلاقی در نوع معماری ایشان بروز کرده است.

#### ۴. یافته‌ها

۴-۱. ارتباط معماری و اخلاق در اقوام عاد و ثمود یکی از ویژگی‌های مفاهیم اخلاقی آن است که رابطه توصیفی مستقیمی نسبت به افعال اختیاری انسان دارند؛ و در محدوده همین رابطه است که مفاهیم اخلاقی معنا می‌یابد. به بیانی دیگر، ساختار درونی انسان منبع و منشأ اعمال برونی انسان است. حضرت امیر در حدیثی معروف می‌فرماید: «العقول ائمه-الافکار، والافکار ائمه-القلوب، والقلوب ائمه الحواس، والحواس ائمه-الاعضاء» (علامه مجلسی ۱۴۰۴، ۹۶). مبرهن است که عقل و فکر برای موجود مختار وضع شده است؛ و فضائل و ردایل اخلاقی در حوزه اختیار مطرح می‌شود. تمامی اعمال انسان مختار از احساس و شناخت او و شناخت از قلب و فکر و فکر نیز از عقل تحلیل‌گر او نشئت می‌گیرد. در بیان کلی، تمامی برویات انسان، چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی، از صفات درونی او نشئت می‌گیرد؛ صفاتی که به‌عنوان صفت اخلاق، بازتابی از حس و قلب و فکر است. معماری نیز، به‌عنوان فعلی اختیاری و بروزی انسانی، تحت

لَلَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أِنَّ صَالِحًا مَّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۲۰» (اعراف / ۷۵)؛ و طبقه استکبار از عرصه معماری برای بروز کبر و غرور خود استفاده می‌کردند. با نگاهی اجمالی به صفاتی چون ادعای یکسانی با نبی، فساد در ارض، دارای جامعه‌ای با دو طبقه اجتماعی، کفر طبقه توانمند، ادعای برتری در عالم، نبی را بشر بدون وحی دیدن و بریدن سنگ از دره برای ساخت بنا، درمی‌یابیم که اقوام عاد و ثمود دچار تفاخر در بین خود بوده و نسبت به اقشار ضعیف‌تر جامعه گردن‌کشی داشتند؛ و نیز صفاتی چون فساد در ارض، اخذ قصر از سهل، نحت بیت از جبل، ظلم، وجود گروه‌های فاسد، مکار و حيله‌گر در شهر و جامعه‌ای که دارای طاغوت است؛ نشانگر وجود تکاثر در اقوام مذکور می‌باشد.

معماری به عنوان نشانه‌ای از تبعث نمایانگر رذیلت‌های غفلت و کراهت نیز می‌باشد؛ و اصرار اقوام عاد و ثمود بر نوع معماریشان نیز از وجود رذیلت اصرار بر گناه در این اقوام خبر می‌دهد. صفات‌های لهو، لعب، تفاخر و تکاثر که از مشتقات تبعث شمرده شدند؛ خود حاکی از ردائل گناهکاری، کراهت و ناسپاسی می‌باشند. ادعای برتری کردن در عالم نیز همانند صفت استکبار، در ارتباط با ردائل اخلاقی غرور و غفلت می‌باشد که از این اقوام نقل شده است: «قَالُوا مَنْ أَشَدُّ مَنَا قُوَّةً أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۲۱» (فصلت / ۱۵). خیال امنیت داشتن در دنیا «أَتَتْرُكُونَ فِي مَا هَاهُنَا ءَامِنِينَ ۲۲» (شعرا / ۱۴۶) و ساخت خانه از کوه «وَو تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ ۲۳» (شعراء / ۱۴۹). در ارتباط با رذیلت اخلاقی آرزوی دراز می‌باشد و نشان‌دهنده این پندار است که انسان در دنیا جاودانه و ماندگار است؛ لذا معماری اش نیز باید برای همیشه ماندگار باشد. در نتیجه اقوام عاد و ثمود بناسازی در کوه را انتخاب کرده که دارای ماندگاری، استحکام و مقاومت بیشتری نسبت به دشت است. همچنین، در آیه شریفه «وَو تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ»، کلمه «فره» به فتحه فاء و کسره راء، به معنای شهوت‌پرست است (طباطبایی ۱۳۷۴) که در ارتباط با ردائل اخلاقی گناهکاری و غفلت تعریف می‌شود. در کتاب تفسیر اثنی عشری عنوان شده: «بنا بر قرائت دیگر یعنی با طغیان و سرکشی به تراشیدن خانه‌های سنگی



اختیاری ایشان را در دو ساحت درون و برون ارزیابی کرد. همچنین، با توجه به پذیرش معماری به عنوان عمل اختیاری انسان و بروزی بیرونی از بینش ها و گرایش های درونی، می توان به بیان ارتباط ما بین ردائل اخلاقی و معماری بر پایه دسته بندی مذکور پرداخت و کلیت سخن را در قالب جدول ۱ خلاصه کرد.

تأثیر صفات اخلاقی معمار و جامعه پیرامونش شکل می گیرد و جدا از زنجیره مذکور ما بین درون و برون نیست. با توجه به تفاسیر مطرح شده و با اتکا به حدیث مذکور از حضرت امیر در رابطه با سلسله مراتب زنجیره ای درون و برون آدمی، و تأثیر اخلاق و صفات درونی بر اعمال بیرونی انسان، می توان صفات اخلاقی اقوام عاد و ثمود و اعمال

برون	درون	
	رذیلت اخلاقی	صفت
عمل اختیاری (معماری)	آرزوی دراز	خیال امنیت داشتند در دنیا
	آرزوی دراز غفلت	بریدن سنگ از دره رای ساخت بنا
ساخت بنا توسط مستکبرین بر بلندی بر بلندی به منظور فخر فروشی به قشر مستضعف جامعه	غرور غفلت ناسپاسی	جامعه ای دارای دو طبقه استکبار و استضعاف، (اختلاف طبقاتی) ایمان آوردن طبقه مستضعف
	گناهکاری غرور غفلت اصرار بر گناه	استکبار ورزیدن ادعای برتری در عالم کردن انکار آیات الهی
فره (شادمانی همراه با غفلت و سرمستی)	گناهکاری	فساد بر زمین
ساخت بنا به عنوان ابزار قدرت برای تمسخر مستضعفین با ایمان	کراهت	عدم حب به ناصحین
ساخت بنا بر بلندی به عنوان نشانه ایی برای عبث بودن	اصرار بر گناه کراهت بی اعتمادی	قرار دهی دست در گوش برای نشنیدن سخن حق کفر بر رسالت ادعای شک و ریب به توحید
	کراهت فسق	خواهان بدی و ترجیح آن به جستن خوبی
	کراهت	حب بیشتر به گمراهی نسبت به هدایت
	اصرار بر گناه کراهت	تکذیب به جهت داشتن طغیان انتخاب شقی ترین بین خود
اختیار کردن قصر در دشت و کندن کوه با هزینه و زحمت بسیار	ناسپاسی	اطاعت امر اسراف کاران

جدول ۱. ارتباط بین ردائل اخلاقی و معماری در قوم ثمود



مباشر می باشد. در علم منطق جملات و عبارات با وصف قضیه مطرح می شوند؛ و در نتیجه برای استفاده از قاعده عکس، هر یک از اصول به عنوان یک قضیه در نظر گرفته می شود. «قضیه در علم منطق بیانگر جمله ای است مرکب از دو بخش که ذاتاً بتواند وصف صدق و کذب را به خود بپذیرد. در این علم، بخش نخست تعبیر به موضوع و بخش دوم محمول می باشد» (منتظری مقدم ۱۳۸۸، ۱۰۳). از آنجا که موجه کلیه در حقیقت قضیه ای است که به نحو کلی مطرح می شود و دارای مفهومی مثبت است؛ می توان اصول هفت گانه پژوهش را شامل این دسته از قضایا شناخت. برای عکس کردن یک قضیه، جای موضوع و محمول یعنی بخش اول و دوم قضیه را عوض می کنیم؛ و قضیه تبدیل به قضیه عکس می شود. در حالت عکس نقیض، مفهوم موضوع و محمول ابتدا خودشان تبدیل به مفهوم نقیض شده و سپس نقیض جابجا می شود (ادیب سلطانی ۱۳۷۸). جملات استخراج شده از منظر علم منطق، قضایایی منطقی و صحیح تعریف شده و لذا می تواند از حالت خبری خارج شده و قالبی دستوری اتخاذ نماید. «ویژگی مهم در قاعده عکس نقیض این است که قضیه حاصله، حالت معتبر و صادق خود را حفظ کرده و قابل استفاده تلقی گردد» (غرویان ۱۳۸۶، ۱۰۹). مراحل استفاده از قاعده عکس نقیض در اصل اول معماری غیر اخلاقی شامل گام های زیر است:

اصل ۱. معماری می تواند به عنوان نشانه ای استفاده گردد برای یادآوری تبعث و غفلت از خداوند متعال این جمله به نحو منطقی این طور نوشته می شود: معماری غیر اخلاقی راهی برای غفلت از خداوند می باشد. معماری غیر اخلاقی: موضوع نقیض: معماری اخلاقی. غفلت از خداوند: محمول نقیض: ذکر و یاد خداوند. قضیه عکس نقیض: یاد خدا راهش معماری اخلاقی می باشد. تغییر در ظاهر جمله بدون تغییر در محتوا: «معماری اخلاقی، راه ایجاد یاد و ذکر خداوند می باشد».

در این بخش از پژوهش از قاعده عکس نقیض در تمامی اصول هفت گانه استفاده شده و با طی مسیری مشابه با مراحل مذکور در اصل اول، اصول هفت گانه معماری اخلاقی از منظر قرآن کریم استخراج می شود:

## ۴-۲. استخراج اصول نظری معماری اخلاقی از منظر قرآن کریم بر اساس قاعده عکس نقیض

به پشتوانه استقرای تام صورت گرفته، تفاسیر مطرح شده، آیات مذکور و روند استدلالی این نوشتار، می توان مقدمات و روند شکل گیری پژوهش قرآنی را معتبر تلقی نمود؛ و به استدلال غیرمباشر از این مقدمات پرداخت. استدلال مذکور اجمالاً در هفت تعریف جامع مبتنی بر مقدمات، اصولی را شکل می دهد که گویای معماری غیر اخلاقی از منظر قرآن کریم می باشد. از آنجا که این تعاریف شامل «عرضیات» مرتبط با معماری و انسان است؛ و معماری را به عنوان یک «جنس» مشخص در نظر گرفته، می توان اصول هفت گانه معماری غیر اخلاقی را به عنوان «تعریف به رسم تام قرآن از معماری غیر اخلاقی» معرفی کرد:

اصل ۱. معماری می تواند به عنوان نشانه ای استفاده گردد برای یادآوری تبعث و غفلت از خداوند متعال.

اصل ۲. معماری می تواند به عنوان ابزار تفاخر، مسبب تحقیر مخاطب خود شود.

اصل ۳. معماری بنا می تواند هدفمند نباشد و بدون توجه به نیازهای دنیوی و اخروی استفاده کننده و مخاطب، در تعداد انبوه تکثیر شود.

اصل ۴. معماری می تواند نشانگر فاصله طبقاتی در جامعه بوده و به عنوان ابزار قدرت مورد استفاده قرار گیرد.

اصل ۵. معماری که اساس آن بر پایه شهوت پرستی و اصالت لذت در نظر گرفته شود، پسندیده است و توصیه می شود.

اصل ۶. معماری بنا می تواند در راستای ارضای تمایلات نفسانی معمار، استفاده کننده و مخاطب، غیراقتصادی و با تخریب طبیعت احداث شود.

اصل ۷. معماری بنا می تواند بر پایه تصور بقای ابدی معمار، استفاده کننده و مخاطب، با استحکام و مقاومتی بسیار زیاد احداث شود.

بر اساس تأکید پژوهش بر امکان کسب شناختی هستی بر اساس درک نیستی، می توان با بهره مندی از قاعده عکس نقیض در علم منطق به شناختی دقیق تر و شفاف تر از معماری اخلاقی از منظر قرآن دست یافت که نتیجه آن استخراج هفت اصل معماری اخلاقی بر اساس استدلال







۱. معماری باید راه ایجاد یاد و ذکر خداوند باشد.
۲. معماری باید ابزار تکریم مخاطب و عدم تفاخر بر آن‌ها باشد.
۳. معماری باید موجب و سبب ایجاد هدفمندی نسبت به نیازهای دنیوی و اخروی انسان باشد.
۴. معماری باید موجب رفع و محو فاصله طبقاتی شود؛ و ابزار ایجاد برابری با دیگر انسان‌ها باشد.
۵. معماری باید موجب ایجاد تعادل در لذات و امیال انسان شود.
۶. معماری باید به واسطه ساختاری اقتصاد محور و طبیعت‌گرا موجب اعتدال‌گرایی در تأمین نیازهای انسان شود.
۷. معماری باید با توجه و اعتقاد به عدم بقا و جاودانگی دنیوی انسان، قائل به استحکام در ساخت بنا باشد.

### ۵. اعتبارسنجی یافته‌ها

گام نهایی در تبیین اصول معماری اخلاقی از منظر قرآن کریم، سنجش اعتبار اصول است. از آنجا که فرایند منطقی استخراج اصول بر پایه استقرا استوار شده است و در اندیشه اسلامی، استقرا همواره مشکوک به ظن می‌باشد؛ به اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش توسط پنلی از متخصصین نیاز است. همچنین، با توجه به امکان ناقص بودن استنتاجات قرآنی بر اساس فرآیند استدلالی و درک پژوهشگران از تفاسیر، نیاز به بررسی فرایند استخراج اصول در این پژوهش می‌باشد. در این راستا، مجموعه‌ای از اساتید حوزه که در زمینه مبانی قرآنی در معماری و دیگر علوم کاربردی روز دارای تخصص هستند؛ به‌عنوان پنل متخصصین انتخاب شده و پرسش‌های مصاحبه با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته مطرح شده است. مصاحبه در کل شامل سه بخش است: بخش نخست، به پرسش از امکان استفاده از مفاهیم قرآنی برای علوم کاربردی بشر و دیدگاه متخصصین به معماری اخلاقی و مبانی مطرح شده از آن در قرآن کریم می‌پردازد. بخش دوم به طور مستقیم به تأیید یا عدم تأیید اصول می‌پردازد؛ و در بخش سوم با پرسشی کل‌نگر از متخصصین درخواست می‌شود تا کاستی‌ها و پیشنهادات لازم برای تکمیل اصول را مطرح کنند. این مصاحبه نیمه سازمان‌یافته در یک جلسه با هر یک از هفت عضو پنل متخصصین به صورت خصوصی و در محیطی آرام برگزار شده است. زمان مصاحبه از طرف مصاحبه‌کننده آزاد اعلام

شده است و بسته به شرایط مصاحبه شونده، از ۷۰ تا ۱۲۰ دقیقه متغیر بوده است. کلیه مصاحبه‌ها در بازه زمانی دو هفته صورت گرفته است. در مصاحبه تلاش شده است با وجود تشریح کامل روند و هدف پژوهش، توضیحات بدون ایجاد ذهنیت و یا رویکرد خاص به متخصص انتقال داده شود و با برنامه ریزی مصاحبه به صورت نیمه سازمان یافته، سعی در ایجاد فضایی آزادتر از محدوده سوالات بسته مصاحبه شده است. در نتیجه در کنار اعتبارسنجی اصول، امکان تغییر و یا تکمیل احتمالی آن‌ها نیز میسر شده است. در طول مدت مصاحبه، سوالات در بخش‌های مختلف مصاحبه به صورت مکتوب در اختیار مصاحبه شونده قرار گرفته و مصاحبه‌کننده نیز به صورت مجزا از یادداشت برداری استفاده کرده است که تمامی جزئیات، ثبت شود. برای تحلیل نتایج مصاحبه، روش تحلیل تفسیری انتخاب شده است. از آنجا که «در روش تحلیل تفسیری، پژوهشگر درصدد است تا در حد امکان، به آشکار نمودن پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه بپردازد» (فرخزاد ۱۳۸۴، ۲۸۱)، نیاز است تحلیل بخشی از مصاحبه به روش تفسیری صورت پذیرد که امکان پردازش به مفاهیم پنهان در پاسخ‌های مصاحبه شونده‌گان باشد. با وجود این مهم که به صورت کلی روش تحلیل تفسیری مصاحبه، اصالت را به استخراج دانش ضمنی نهفته در کلام می‌دهد و این رویکرد با پاسخ‌های هدفمند متخصصین آگاه در تناقض می‌نماید؛ ولیکن با توجه به نیمه سازمان یافته بودن مصاحبه و فضای آزادی که برای متخصصین در فرایند مصاحبه در نظر گرفته شده است؛ نیاز به استفاده از این رویکرد در بخش سوالات باز دیده می‌شود. شایان به ذکر است که ارزیابی نهایی نتایج سوالات باز مصاحبه در کنار سوالات بسته، و پاسخ‌های هدفمند و واضح متخصصین، با رویکرد کل‌نگر پژوهشگران صورت می‌گیرد.

در تحلیل تفسیری مصاحبه اعتبارسنجی این پژوهش، متن مصاحبه به طور کامل نوشته می‌شود. این تحلیل بر اساس روش تحلیل تفسیری گیلمن (گیلمن ۲۵ ۱۹۹۶) در هشت مرحله صورت می‌پذیرد:

- \* مرحله اول: در ابتدا متن‌های پیاده شده و یادداشت‌های مصاحبه شونده‌گان، به ترتیب مرور شده است.
- \* مرحله دوم: در هر متن، گفته‌های اساسی برجسته شده است.



- استفاده از تجربیات معماری ایرانی-اسلامی در تبیین شاخص ها  
 - عدم امکان تکمیل استدلال با توجه به حضور در عصر غیبت امام معصوم  
 \* مرحله ششم: نکات استخراج شده در این مرحله بازبینی شده و میزان ضرورت هر یک از نکات بر اساس مفاهیم موجود در دیگر بخش های متن مصاحبه، مشخص شده است.  
 \* مرحله هفتم: پژوهشگر مجدد به متن های پیاده شده رجوع کرده و با تأکید بر نتیجه مرحله ۶، نسبت به حذف نکات غیرضروری اقدام کرده است. همچنین گفته هایی که دارای تردید است یا مورد نظر تعداد کمی از مصاحبه شوندگان بوده، و یا از پاسخ های اصلی محسوب نمی شوند نیز؛ مشخص شده است. در این مرحله از پژوهش، با در نظر گرفتن اهمیت بررسی درصد فراوانی نسبی نتایج مصاحبه در راستای دستیابی به نتیجه اجماع کلی پنل متخصصین، درصد فراوانی هر یک از نکات به صورت مجزا محاسبه شده و نهایتاً نکات غیر ضروری بر اساس درصد فراوانی و مفاهیم موجود در متون مصاحبه، حذف می شود.  
 \* مرحله هشتم: در مرحله نهایی تحلیل تفسیری، نتیجه تحلیل بر اساس جدول ارائه می شود (جدول ۲):

همچنین گفته های تکراری، جمله های معترضه، گفته های انحرافی و سایر داده های نامربوط نادیده گرفته شده است.  
 \* مرحله سوم: برخی از گفته های مشابه که بر اعتبار یافته ها تأکید می کنند، مشخص شده است. با توجه به رویکرد تفسیری، به مفاهیم گفته ها در کنار نظر مستقیم مصاحبه-شونده توجه می شود و از مجموع گفته ها، مفاهیم و کلماتی که در راستای هدف مصاحبه تأثیرگذار تلقی می شوند؛ به گونه ای قابل تشخیص از باقی متون جدا می شوند.  
 \* مرحله چهارم: هنگامی که تمام متن ها مرور شد؛ پژوهشگر مجدد متن اولیه را مرور کرده و اطمینان می یابد که در برجسته کردن گفته های اساسی، دچار غفلت نشده است.  
 \* مرحله پنجم: در این مرحله، با مرور گفته های اساسی برجسته شده، نکاتی که بیشترین تأکید بر آن ها شده است استخراج شده و به اختصار بیان شده است. همچنین نکات مشابه حذف شده است:

- تأیید روند و رویکرد پژوهش
- تأیید اصول
- استفاده از احادیث و روایات برای دستیابی به نتایج کاملتر
- ضرورت در شفاف سازی اصل سوم و هفتم
- نیاز به تبیین شاخص هایی معمارانه برای تحقق اصول

نتیجه مصاحبه نیمه سازمان یافته با پنل متخصصین پژوهش						
کد متخصص	تایید روند پژوهش	تایید رویکرد پژوهش	تایید اصول پژوهش		ضرورت تبیین شاخص	لزوم بررسی معماری ایرانی اسلامی
			صحت	جامعیت		
۱	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۲	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۳	✓	✓			✓	✓
۴	✓	✓	✓			
۵	✓	✓	✓		✓	✓
۶	✓	✓	✓	✓	✓	
۷	✓	✓	✓	✓		
درصد فراوانی	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۸۶	٪۵۸	٪۷۱	٪۵۸

جدول ۲. جمع بندی گفته های متخصصین در راستای اهداف مصاحبه (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۵)



## ۶. جمع بندی

در بیانی کلی، تحلیل تفسیری مصاحبه نیمه‌سازمان یافته نشان می‌دهد که بیش از ۸۵ درصد از مصاحبه‌شوندگان به تأیید یافته‌های پژوهش پرداخته‌اند. با توجه به رویکرد پژوهش در زمینه استفاده از آیات و تفاسیر قرآن کریم، و نیز با تکیه بر تأیید رویکرد قرآنی پژوهش توسط ۱۰۰ درصد از اعضای پنل متخصصین، رویکرد قرآنی در راستای دستیابی به اصول اخلاقی در این پژوهش، کامل و جامع تلقی شده است. همچنین با توجه به تأکید بیش از ۷۰ درصد از متخصصین بر لزوم تبیین شاخص‌هایی مشخص برای تحقق اصول و اشاره ایشان به معماری ایرانی-اسلامی، استخراج شاخص‌ها لازم و ضروری تلقی می‌شود که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مد نظر پژوهشگران معماری ایرانی-اسلامی قرار گیرد. با وجود این که نیمی از مصاحبه‌شوندگان بر شفاف سازی اصل سوم و هفتم اشاره داشتند؛ تأکید همزمان ایشان بر تبیین شاخص‌های مربوطه برای ایجاد شفافیت لازم به واسطه این شاخص‌ها می‌باشد. در نتیجه با وجود درک ضرورت تبیین شاخص در مراحل آتی پژوهش، نیازی برای بازبینی در اصول مذکور در این مرحله وجود ندارد. همچنین، با توجه به مطرح شدن نیاز به ظهور امام غایب برای در دست داشتن تفاسیری کامل‌تر در راستای تأیید جامعیت اصول توسط متخصصین، و در نظر گرفتن محدودیت‌های عصر حاضر در این زمینه، جامعیت اصول در این پژوهش نیز با تأیید بیش از نیمی از متخصصین، قابل قبول تلقی می‌شود. نکات زیر به بیان نتیجه اعتبارسنجی اصول می‌پردازد:

- روند استدلالی پژوهش مورد تأیید است.
- رویکرد قرآنی پژوهش مورد تأیید است.
- اصول معماری اخلاقی- قرآنی مورد تأیید است؛ و با توجه به شرایط پژوهش و محدودیت‌های عصر حاضر، کامل و جامع تلقی می‌شود.
- نیاز به تبیین شاخص‌هایی گویا برای تحقق، شفاف سازی و کاربرد محوری اصول است.
- توصیه به مرور مبانی و تجربیات معماری ایرانی-

اسلامی برای تبیین شاخص‌ها شده است. همانگونه که پیش از این نیز ذکر شده است؛ روند منطقی این پژوهش بر اساس منطبق‌سازی ارسطویی در اندیشه اسلامی شکل گرفته و اعتبار اصول را برای شکل‌گیری بستر معماری اخلاقی در عرصه عمل تأیید کرده است. بدیهی است نتیجه این استدلال، با توجه به محدودیت‌های موجود در درک انسانی از کلام وحی، و در چارچوب فرایندی منطقی بر اساس استدلال استقرایی مظنون به شک انجام شده است. یافته‌های پژوهش پس اعتبارسنجی پنی مشخص از متخصصین، به اصولی نظری و بنیادینی منتج شده است که لزوم کاربردگرایی و تبیین شاخص‌هایی کاربردی برای خلق معماری اخلاقی را ضرورت تلقی کرده است؛ و معماری ایرانی اسلامی را به‌عنوان مصداقی قابل بررسی معرفی می‌نماید. بنابراین می‌توان بیان کرد اصول نظری معماری اخلاق مدار در قرآن کریم تأیید شده در پژوهش عبارتند از: ۱. معماری باید راه ایجاد یاد و ذکر خداوند باشد. ۲. معماری باید ابزار تکریم مخاطب و عدم تفاخر بر آن‌ها باشد. ۳. معماری باید موجب و سبب ایجاد هدفمندی نسبت به نیازهای دنیوی و اخروی انسان باشد. ۴. معماری باید موجب رفع و محو فاصله طبقاتی شده و ابزار ایجاد برابری با دیگر انسان‌ها باشد. ۵. معماری باید موجب ایجاد تعادل در لذات و امیال انسان شود. ۶. معماری باید به‌واسطه ساختاری اقتصاد محور و طبیعت‌گرا موجب اعتدال-گرایی در تأمین نیازهای انسان شود. ۷. معماری باید با توجه و اعتقاد به عدم بقا و جاودانگی دنیوی انسان، قائل به استحکام در ساخت بنا باشد. به بیانی دیگر، پژوهش پیش رو در تلاش برای آگاه سازی جامعه علمی معماری از ابعاد گسترده تر علم اخلاق با استفاده از آموزه‌های قرآنی، به بررسی منطقی کلام وحی در خصوص معماری اخلاقی پرداخته و با ارائه اصول معماری اخلاق مدار، امید به بستر سازی مناسب در راستای تبیین شاخص‌هایی کاربردی برای خلق این معماری در پژوهش‌های آتی، و نیز ایفای نقش موثر اصول ارائه شده در روند خلق آثار معماری توسط معماران متعهد و علاقمند دارد.

## پی‌نوشت

۱. Harry J. Gensler

۲. فَإِنَّ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ أَنْزَلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنَّ لَإِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (هود/ ۱۴).

۳. خدا به شما آموخت آموزه‌هایی که هیچگاه خودت آن را یاد نمی‌گرفتی (نساء/ ۱۱۳).

۴. وَ لَسَلِيمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرُ و رَوَاحِها شَهْرُ و أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقُطْرِ و مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ و مَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ \* يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ و تَمَائِيلَ و جِفَانٍ كَالْجَوَابِ و قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا و قَلِيلٍ مِنَ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (سبا/ ۱۲-۱۳).

۵. قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً و كَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي و أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (نمل/ ۴۴).

۶. و كَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ و أَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا (كهف/ ۲۱).

۷. و إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ و إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (بقره/ ۱۲۷).

۸. أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا (آل عمران/ ۹۶).

۹. الا ترون ان الله سبحانه اختبر الاولين من لدن آدم صلوات الله عليه الى الاخرين من هذا العالم باحجار ...، فجعلها بيته الحرام ...، ثم امر آدم و ولده يثونا اعطافهم نحوه ... (نهج البلاغه/ خطبه قاصعه).

۱۰. لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ و وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِعَادَ (زمر/ ۲۰).

۱۱. و ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ و نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ و عَمَلِهِ و نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (تحریم/ ۱۱).

۱۲. هَذَا وَاِنْ لِلظَّالِمِينَ لَشَرٌّ مَأْبٍ \* جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ (۵۵-۵۶).

۱۳. لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلٌّ مِنَ النَّارِ و مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلٌّ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (زمر/ ۱۶).

۱۴. Ehje Asher Ehje

۱۵. و با ثمود همانان که در دره تخته‌سنگ‌ها را می‌بریدند (فجر/ ۹).

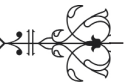
۱۶. گویی در آن [خانه‌ها] هرگز اقامت نداشته‌اند هان مرگ بر [مردم] مدین همان‌گونه که ثمود هلاک شدند (هود/ ۹۵).

۱۷. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ، إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ، الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (فجر/ ۶-۸).

۱۸. أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ»، «وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (شعراء/ ۱۲۸-۱۲۹).

۱۹. «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ» (شعرا/ ۱۲۸)





۲۰. سران قوم او که استکبار می‌ورزیدند به مستضعفانی که ایمان آورده بودند گفتند آیا می‌دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؛ گفتند بی‌تردید ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است مؤمنیم (اعراف / ۷۵).
۲۱. به ناحق در زمین سر برافراشتند و گفتند از ما نیرومندتر کیست آیا ندانسته‌اند که آن خدایی که خلقشان کرده خود از ایشان نیرومندتر است و در نتیجه آیات ما را انکار می‌کردند (فصلت / ۱۵).
۲۲. شما را در آنچه اینجا دارید آسوده رها می‌کنند (شعرا / ۱۴۶).
۲۳. و هنرمندانه برای خود از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید (شعرا / ۱۴۹).
۲۴. غرور، آرزوی دراز، گناهکاری، بی‌شرمی، اصرار بر گناه، غفلت، کراهت، ناخشنودی، حزن، بی‌اعتمادی، ناسپاسی، جزع، و فسق (نراقی ۱۳۷۹).
۲۵. Gilman

## منابع

۱. ابن کثیر، اسماعیل. ۱۹۸۸. قصص الانبیاء. بیروت: انتشارات علی شیری.
۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. ۱۳۶۳. تفسیر اثنی‌عشری، جلد ۹. تهران: میقات.
۳. خرمشاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۷۷. دانش‌نامه قرآن و قرآن پژوهی، جلد ۱. تهران: دوستان و ناهید.
۴. زمشخری (قرن ۶ هجری)، جارالله. ۱۳۸۹. تفسیر کشاف. ترجمه‌ی مسعود انصاری. تهران: ققنوس.
۵. سلطانی، ادیب. ۱۳۷۸. منطق ارسطو (ارگانون). ترجمه‌ی میرشمس‌الدین ادیب سلطانی. تهران: نگاه.
۶. شیرازی، صدرالدین. ۱۳۹۳. ترجمه اسفار اربعه از خلق به خلق. ترجمه‌ی محمد خواجه‌ی. تهران: مولی.
۷. صدر، محمد باقر. ۱۳۵۹. مبانی منطق استقرا. ترجمه‌ی احمد فهری زنجانی. انتشارات پیام آزادی.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴. تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. طبرسی (قرن پنجم)، فضل بن حسن. ۱۳۹۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه‌ی محمد بیستونی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۰. طوسی، نصیرالدین. اخلاق ناصری. ۱۳۵۶. با تصحیح مجتبی مینوی. انتشارات علمیه اسلامی.
۱۱. طیب، سید عبدالحسین. ۱۳۷۸. الطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
۱۲. علی‌آبادی، محمد، و مجید هاشمی طغراجرودی. ۱۳۸۹. ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی. نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران (۱): ۶۷-۷۵.
۱۳. غروی‌ان، محسن. ۱۳۸۶. آموزش منطق. قم: موسسه انتشارات دارالعلم.





۱۴. فرخزاد، پرویز. ۱۳۸۴. راهنمای پژوهش تاریخی (کتابخانه‌ای). تهران: طهوری.
۱۵. فولادوند، محمد مهدی. ۱۳۹۰. ترجمه قرآن. تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
۱۶. فیض کاشانی، ملاحسن. ۱۴۱۵ ق. تفسیر صافی. تهران: الصدر.
۱۷. فیض الاسلام، سید علی نقی. ۱۳۷۸. ترجمه و تفسیر قرآن عظیم. تهران: فقیه.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۱. قاموس قرآن، جلد ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۹. گرابار، الگ. ۱۳۸۹. هنر، معماری، و قرآن. مجله بینات (۶۵): ۱۵۲.
۲۰. گنسلر، هری. ۱۳۷۸. درآمدی جدید به فلسفه اخلاق. ترجمه‌ی حمیده بحرینی. تهران: نقد قلم.
۲۱. مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۴ ق. بحار الانوار، جلد ۱. بیروت: وفا.
۲۲. مروتی، سهراب، و سارا سالکی. ۱۳۹۰. معنانشناسی واژه اخلاق در قرآن کریم. مجله پژوهش‌نامه قرآن و حدیث (۸): ۲۷-۵۹.
۲۳. مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰ ش. التحقیق فی کلمات القرآن، جلد ۸. تهران: انتشارات بنگاه نشر کتاب.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه، جلد ۱۵. تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
۲۵. منتظری مقدم، محمود. ۱۳۸۸. منطق. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۶. مهدوی کنی، محمد رضا. ۱۳۸۰. نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی.
۲۷. وکیلی، الهه. ۱۳۸۶. ویژگی‌های خلقت جن از منظر قرآن و روایات. اندیشه‌ی نوین دینی ۳ (۱۱): ۱۰۱-۱۲۵.
۲۸. هاشمی، ایوب. ۱۳۹۴. شرح حال و معرفی تفسیر آیت الله سید عبدالحسین طیب. بینات ۴ (۸۳).
۲۹. هاک، سوزان. ۱۳۸۲. فلسفه منطق. ترجمه‌ی سید محمد علی حجتی. تهران: کتاب طه.

## References

1. Ali Abadi, Mohammad, and Majid Toghroljerdi. 2011. *The Necessity of a New Approach in the Compilation of Laws and Regulations of Islamic Architecture*. *Journal of Iranian Architecture and Urbanism* (1): 67-75.
2. Ebne Kasir, Esmael. 1988. *Ghesas ol-Anbia*. Beirut: Ali Shiri Publication.
3. Farokhzad, Parviz. 2006. *Historical Research Guide (Library)*. Tehran: Tahouri.
4. Feiz Kashani, Molla Hassan. 1995. *Safi Interpretation*. Tehran: al-Sadr.
5. Feizoleslam, Seyed Ali Naghi. 2000. *Translation and interpretation of the Great Quran*. Tehran: Faqih.





6. Fuladvand, Mohammad Mahdi. 2012. *Quran Translation*. Tehran: Dar al-Quran al-Karim.
7. Gensler, Harry. 2000. *A New Introduction to Moral Philosophy*. Translated by Hamideh Bahreini. Tehran: Naghd-e Ghalam.
8. Ghoreshi, Seyed Ali Akbar. 1993. *Qamous Quran, 4th Vol*. Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiye.
9. Gharavian, Mohsen. 2008. *Logic Training*. Qom: Dar ol-Elm.
10. Gilman, R. 1996. *Sustainability*. [www.context.org/ICLIB/DEFS/AIADef.htm](http://www.context.org/ICLIB/DEFS/AIADef.htm).
11. Grabar, A. 2011. *Art, Architecture, and Quran*. *Bayenat* (65): 152.
12. Hak, Susan. 2004. *Philosophy of Logic*. Translated by Seyed Mohammad Ali Hojati. Tehran: Taha.
13. Hashemi, Ayub. 2016. *Sharhe Hal va Moarefi Tafsir Ayato Alah Seyed Abdolhosein Taieb*. *Bayyenat* 4 (83).
14. Hosseini Shah Abdolazimi, Hossein Ibn-e Ahmad. 1985. *Asna-Ashari Interpretation, 9th Vol*. Tehran. Mighat.
15. Khoramshahi, Baha ol-Din. 1999. *Encyclopedia of Quran and Quran Studies, 1st Vol*. Tehran: Dustan va Nahid.
16. Mahdavi Kani, Muhammad Reza. 2010. *Starting Points in Practical Ethics*.
17. Majlesi, Muhammad Baqer. 1984. *Bahar ol-Anvar, 1st Vol*. Beirut: Vafa.
18. Makarem Shirazi, Naser. 1996. *Nemune Interpretaion, 15th Vol*. Tehran: Dar ol-Kotob al-Islamiye.
19. Marevati, Sohrab, and Sara Salaki. 2011. *Semantics of The Word Ethics in The Holy Quran*. *Iranian Quranic Sciences and Hadith Council* (8): 27- 59.
20. Montazeri Moghadam, Mahmoud. 2010. *Logic*. Qom: Publications of Qom Seminary Management Center.





21. Mostafavi, Hassan. 1982. *Researching the words of the Qur'an, 8th Vol.* Tehran: Translating and Publishing Books Agency.
22. Sadr, Mohammad Bagher. 2011. *Basics of Inductive Logic.* Translated by Ahmad Fahri Zanjani. Payam-e Azadi Publication.
23. Shirazi, Sadr ol-Din. 2015. *Translation of Asfar Al-Arbaa from People to People.* Translated by Mohammad Khajavi. Tehran: Mola.
24. Soltani, Adib. 2000. *Aristotle's Logic (Organon).* Translated by Mirshams Al-Din Adib Soltani. Tehran: Negah.
25. Tabatabaee, Seyed Mohammad Hossein. 1996. *Al-Mizan Interpretation.* Qom: Islamic Publishing Office of the Society of Seminary Teachers of Qom.
26. Tabrasi. Fazl Ibn-e Hassan. 2012. *Majma Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran.* Translated by Mohammad Bistouni. Mashhad: Astan Quds Razavi Publication.
27. Tayeb, Seyed Abdolhossein. 2000. *Al-Tayeb al-Baian fi Tafsir al-Qoran.* Tehran: Islam.
28. Tousi, Nasiroddin. *Nasari Ethics.* 1978. Corrected by Mojtaba Minavi. Elmieh Eslami Publications.
29. Vakili, Elahe. 2010. *The Characteristics of The Creation of Jinn from the Perspective of The Qur'an and Hadiths.* *New Religious Thought* 3 (11): 101-125.
30. Zemeshkhari, Jarollah. 2011. *Koshaf Interpretation.* Translated by Masoud Ansari. Tehran: Ghoghnoos.





## Theoretical principles of Ethical Architecture in Quran; Based on Aristotelian logic

**Bushra Abbasi**

PostDoctoral Researcher, University of Alberta

Corresponding Author : [babbasi@ualberta.ca](mailto:babbasi@ualberta.ca)

**Mohammad reza Bemanian**

Professor, Tarbiat Modares University

Received: 23/11/2021

Accepted: 06/04/2022

### Abstract

This research is a Qur'anic review that examines the effects of ethics on architecture from the Holy Qur'an's point of view with the goal of introducing logical theoretical principals of ethical architecture. In order to reach the research goal, this research conducts the induction, deduction and reverse extraction of research's resulted theoretical concepts based on Aristotle's formal logic. The main question of this article is how theoretical principles of ethical architecture can be extracted from the Holy Qur'an on the grounds of Aristotelian logic? Given the priority of avoiding unethical issues over the acquisition of ethical virtues in the religion of Islam and the architectural position as an arbitrary act of human being that influences the inner attributes of the individual and the surrounding society, unethical issues can be considered as the most important factors in the formation of ethical principles for architecture. The unethical issues mentioned in the Holy Quran determine these principles from the point of view of the Muslim scripture and provides backbone of understanding the principles of ethical architecture. This research studies documents and resources based on a logical reasoning and Interpretative analytical approach. Research findings are validated using semi-structured interview techniques and indicate that experts validate the completeness and adequacy of the resulted theoretical principles and the logical process of this research. Research results include seven theoretical principles for ethical architecture; 1) Architecture should be a remembrance of God. 2) Architecture should be a tool of respect for its consumers and lack self-glorification over them. 3) Architecture should be goal-oriented towards the needs of future generation. 4) Architecture should eliminate social gaps and be a symbol of equality and modesty. 5) Architecture should create balance between human needs, pleasures and desires. 6) Architecture should answer human demands on the grounds of an economical and naturalistic approach. 7) Architecture should include structural strength with the acknowledgment of human lifetime limitations. The result of this research presents a coherent logical extraction of ethical architecture from the Holy Quran, which can be considered in the fields of theory and practice by academics and architects.

**Keywords:** Holy Quran, Islamic Ethics, Principles of Ethical Architecture, Aristotelian Logic

